



لری سیدنتاب

اندیشه توکویل

ترجمہ حسن کامشاد



فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۳	نکاتی چند دربارهٔ نقل قول‌ها
۱۵	۱ در سایهٔ حکومت وحشت
۴۱	۲ مباحثهٔ بزرگ دههٔ ۱۸۲۰
۶۹	۳ دموکراسی در آمریکا (۱۸۳۵)
۱۰۷	۴ دموکراسی در آمریکا (۱۸۴۰)
۱۴۳	۵ دین و ساختار اجتماعی
۱۶۵	۶ رژیم پیشین و انقلاب (۱۸۵۶) و دور کامل
۱۹۷	سخن آخر
۲۰۹	برای مطالعهٔ بیشتر
۲۱۵	نمایه

در سایه حکومت وحشت

آلکسی دو توکویل اندکی پس از انقلاب فرانسه در خانواده‌ای ریشه‌دار از اشراف نرماندی به دنیا آمد. از همان کودکی از تعصبات دیرینه خانوادگی دوری جست. یقین کرد که دوران اشرافیت به سر رسیده و در غرب جامعه‌ای نوین - که آن را "جامعه دموکراتیک"^۱ نامید - پدید می‌آید. این اعتقاد او را یاری داد تا از وسوسه‌های اخلاقی که در اوایل سده نوزدهم دامنگیر بسیاری از افراد طبقه وی بود بپرهیزد. توکویل، حتی در نوجوانی، از فریفتن خویش بیم داشت. برای آن دسته از هم طبقه‌های خود که متوهم بودند - به‌ویژه این توهم که ظهور دموکراسی چیزی تصادفی و برگشت‌پذیر یا، حتی، اهریمنی است - اگر نگوئیم احساس تحقیر، احساس ترحم می‌کرد. البته هراس او از آینده بسیار شدید بود و باور داشت که چاره‌ای جز ذهنی روشن و عزمی استوار نیست.

توکویل به این نتیجه رسیده بود که جامعه دموکراتیک دعوی مَقهورکننده‌ای دارد. این جامعه با مقتضیات عدالت^۲ سازگار است، اما

1. democratic society

2. justice

در عین حال واجد مخاطرات جدی اخلاقی و سیاسی نیز است که باید با آن‌ها پنجه درافکند و مغلوب‌شان کرد. چیره‌شدن بر این مخاطرات نیازمند شناخت آن‌ها بود و این مسئله گرچه در نگاه نخست شگفت‌انگیز می‌نماید، رسالتی شایسته بود برای اشراف‌زاده‌ای جوان در فرانسه پس از انقلاب: این تلاش ظریف‌ترین نمونه وظیفه اخلاقی اشراف‌زادگان بود.

توکویل چگونه به این نتایج رسید؟ اوضاع و احوال کودکی او روشن‌گر موضوع است. تولد توکویل به سال ۱۸۰۵ در شرایط عادی نبود. تقریباً تمامی خانواده‌اش — پدر بزرگ، مادر بزرگ، عموها و عموزاده‌ها — در دوران "حکومت وحشت"^۱ زیر تیغ گیوتین رفته بودند. پدر و مادرش، کنت و کنتس دو توکویل، ماه‌ها در زندان در انتظار همین سرنوشت زیسته بودند. اثر زندان پس از آن نیز در چهره آنان مشاهده می‌شد. موی سر پدرش، اِرو^۲، در بیست و چهار سالگی سفید شده بود. مادرش علیل و عصبی مانده بود در سال‌های پس از سقوط روبسییر^۳، پدر و مادر توکویل کوشیدند به نحوی همچون دوران رژیم پیشین زندگی کنند. اما این کار آسانی نبود. از هر چیز پیرامون آنان و از هر چیز بیرون از دروازه‌های شاتوورنوی^۴، و حتی از تابلوهای آویخته بر دیوارها، بوی جنگ داخلی و تنفر شدید از اشراف می‌آمد.

ارو دو توکویل، برعکس بسیاری از دیگر اشراف فرانسوی، مهاجرت نکرده بود. از این روی، مردی ثروتمند بود، زیرا دارایی خویشانی که زیر گیوتین جان سپرده بودند نیز به او رسیده بود. ولی مال و منال نمی‌توانست دلهره طبقه‌ای را که قرن‌ها آماج انبوه نارضایی‌ها بوده از میان ببرد. آیا در فرانسه پس از انقلاب جایی برای اشراف وجود داشت و این‌ها می‌توانستند ایمن به سر برند؟ این نگرانی، آلکسی دو توکویل خردسال را آزار می‌داد.

1. Reign of Terror

2. Hervè

۳. Robespierre (۱۷۵۸-۱۷۹۴)؛ انقلابی فرانسوی. بانی حکومت وحشت در انقلاب کبیر

فرانسه. صدها تن را به هلاکت داد و خود نیز به همین سرنوشت گرفتار شد. (مترجم)

4. Chateau de Verneuil

